



به جای نخبه‌گرایی صرف، باید برای نخبه‌پروری تلاش کرد. فهرست برگزیده‌های جایزه باید به جامعه کتابخوان و به میان مردم راه پیدا کند. مسأله مهم آن که مسئولان باید تدبیری برای باقی ماندن کتاب در سبدخانوار ببندیشند. وقتی کتابی پژوهشی به قیمت هشتصد هزار تومان و حتی بیشتر از آن روانه کتاب‌فروشی‌ها می‌شود، مطالعه برای بسیاری از علاقه‌مندان کاری دشوار و حتی غیرممکن می‌شود. این یعنی حذف کتاب از سبدخانوار خانواده‌های ایرانی. حتی اگر بگوییم که کتاب هنوز جایی در سبدخانوار دارد اما واقعیت آن است که روزبه‌روز نحیف‌تر می‌شود. شرایط اقتصادی نباید به سمتی برود که تأمین نیازهای اولیه به نیاز مطالعه ارجحیت پیدا کند. دولت باید فکر چاره باشد. زمینه‌های بهبود اوضاع اقتصادی را فراهم کند تا مخاطبان کتاب حفظ شوند.

وگرنه مردم در پله اول هرم مازلو و تلاش برای تأمین نیازهای فیزیولوژیکی باقی می‌مانند! بله و همین است که معتمد معرفی کتاب‌های شاخص خوب است اما کافی نیست. امیدوارم مسئولان با کنز دن شرایطی که مانع پیشرفت اقتصادی می‌شود، شرایط بهبودی وضعیت معیشتی مردم را فراهم کنند. اگر این مسائل حل نشده باقی بمانند، دیگر جایی برای کتاب و کتابخوانی باقی نمی‌ماند. متولیان دولتی باید چاره‌ای برای بهبود شرایط مالی ببندیشند. اگر هر یک از ما برای گذران زندگی ناچار به اضافه کار بیشتر یا روی آوردن به شغل دوم و سوم بشویم، دیگر فریفتی برای کتابخوانی پیدا نمی‌کنیم. برای بهبود نظام عاطفی جامعه هم باید تلاش شود تا مردم حوصله و فرصت مطالعه داشته باشند. روند سیاسی و اقتصادی جامعه باید به مسیری هدایت شود که مردم به فکر خودشکوفایی باشند. ما به رزم برخورداری از سابقه تمدنی و فرهنگی دیرینه، آن طور که باید و شاید کتاب در زندگی‌مان جایی ندارد. کتاب‌ها باید در تیراز بالا و با تجدیدچاپ‌های بی‌شمار روانه کتاب‌فروشی‌ها فرستاده شوند. مرکز آثار سال‌هاست که هر سه ماه یک‌مرتبه، فهرستی درباره شیوه گذران وقت افراد طی بیست و چهار ساعت شبانه‌روز منتشر می‌کند، آستری که مسئولان باید درنگی برآن داشته باشند و ببینند که مردم تا چه اندازه زمان خود را صرف فعالیت در تشکل‌ها و انجمن‌ها می‌کنند و کتابخوانی و فعالیت‌های اجتماعی چه جایگاهی در فعالیت‌های روزمره آنها دارند. ما چنین نگاهی، بی‌شک موفق به طی مسیر بهتری برای بهبود وضعیت کشور در همه حوزه‌ها خواهند شد.

چند روزی است مراسم اختتامیه چهل و دومین دوره جایزه کتاب سال برپا شده، بهترین فرصت برای آغاز برنامه‌ریزی‌ها جهت برپایی هرچه اصولی‌تر این جایزه در سال آینده است تا کار به چندماه پایانی منتهی به اختتامیه محدود نشود.

به نقش تشکل‌ها و انجمن‌های علمی اشاره کردید؛ اینها به چه طریقی قادر به نقش آفرینی هستند؟

آن‌طور که دبیر علمی جایزه کتاب سال در مراسم اختتامیه عنوان کرد، در مرحله اول داورهای امسال، در مجموع ۱۷ هزار و ۵۶۷ اثر ارزیابی و داوری شده است. در صورتی که این کار را می‌توان با صرف زمان و هزینه مالی و انسانی بسیار کمتری انجام داد. مسئولان برگزاری دوره‌های آینده کتاب سال با بهره‌مندی بیشتر از همراهی تشکل‌ها و انجمن‌های علمی می‌توانند به شکلی گزیده‌تر به سراغ آثار بروند، آن‌ها می‌توانند مرحله اول داوری را به نوعی به خود تشکل‌ها واگذار کنند و از تشکل‌ها و انجمن‌هایی که صلاحیت لازم را کسب کرده‌اند، بخواهند که آثار شاخص مرتبط با زمینه کاری خود را به دبیرخانه جایزه معرفی کنند. به این شکل هم همه آثار شاخص به داوری جایزه راه پیدا می‌کنند و هم اینکه داورها با صرف زمان و هزینه کمتری انجام می‌شود.

سنگینی نگاه‌های حزبی و سیاسی چه تأثیری در کاهش دامنه نفوذ نتایج جایزه‌ای از این دست دارد؟

سنگینی نگاه‌های حزبی و سیاسی، موجب نادیده گرفته شدن برخی آثار و چهره‌ها می‌شود. دخالت نگاه‌های ایدئولوژیکی بر روند داوری‌ها، نهنها سبب حذف آثار شاخص از دایره داوری‌ها می‌شود، بلکه امکان معرفی همگانی کتاب‌های خوب را هم می‌گیرد. البته منظوم این نیست که جایزه‌ی نظیر کتاب سال با چنین شرایط برگزار می‌شوند، تأکید بر مسائلی است که باید از آنها پرهیز کرد. مسائلی ایدئولوژیک و سیاسی نباید جایی در داوری جایزه علمی و فرهنگی داشته باشد.

فهرست آثار برگزیده و شایسته تقدیر جایزه نظیر کتاب سال چقدر به معرفی آثار شاخص به مخاطبان کمک می‌کند؟

به نکته خوبی اشاره کردید، بخش مهمی از اثربخشی این جایزه به معرفی آثار برگزیده بازمی‌گردد، البته به آن شرط که موفق به جلب اعتماد مخاطبان شده باشند. سیاست‌های علمی و فرهنگی‌مان نباید فقط به نخبگان محدود شود.

مختلفی حضور داشته‌اند؛ از اعضای حرفه‌ها و مشاغل مختلف گرفته تا اعضای نهادهای مدنی و تشکل‌های مردم‌نهاد. حتی اعضای شوراهای محلی و شوراهای شهر، مدیران پایه‌های مختلف میانی و بالایی، سیاست‌گذاران کشوری و افرادی که در حیطه تاریخ فعالیت دارند هم می‌توانند مخاطب این کتاب باشند. به گمانه کتاب‌هایی از این دست به طیف و گروه خاصی محدود نمی‌شود.

آقای فراس‌تخواه؛ تألیف این کتاب با پژوهش‌های گسترده تاریخی همراه بوده، چندسال تحقیق و پژوهش صرف تألیف این کتاب کرده‌اید؟

به شکل کلی تألیف این کتاب ریشه در بیش از چهل و اندی سال تحقیق و پژوهش من دارد، اما به‌طور متمرکز حداقل یک دهه گذشته را مشغول تألیف آن بوده‌ام.

باتوجه به موفقیتی که کتاب شما در این دوره از جایزه کتاب سال کسب کرده، در این باره بگویید که این رویداد علمی-فرهنگی میان اهالی کتاب و جامعه دانشگاهی چه جایگاهی دارد؟

کتاب سال، جایزه‌ای است که در روند داوری‌های آن به موضوعات مختلفی در عرصه کتاب توجه می‌شود که خب این اتفاق مهمی است. اما در پاسخ به سؤال شما شاید بهتر باشد که به یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها در چگونگی برپایی‌اش اشاره کنم؛ بی‌تعارف روند داوری‌های آن هرچه اصولی‌تر انجام شود، موفق به کسب اعتبار بیشتری میان اهالی کتاب و جامعه کتاب‌خوان و دانشگاهی می‌شود. یکی از مهم‌ترین نکات در اعتباربخشی به این رویداد فرهنگی را باید در جمع هیأت داوران و از سوی سیاست‌گذاران آن جست‌وجو کرد.

چه پیشنهادی برای برگزاری مؤثرتر دوره‌های بعدی جایزه کتاب سال دارید؟

همان‌طور که اشاره شد، متولیان برپایی این جایزه هرچقدر از حضور چهره‌های علمی و دانشگاهی بیشتری در جمع هیأت داوران بخش‌های مختلف بهره بگیرند، بی‌شک اثرگذاری بیشتری را شاهد خواهیم بود. مجریان برپایی آن باید به دنبال افزایش مشارکت جامعه علمی در بررسی آثار باشند. از جلب همراهی تشکل‌ها و انجمن‌های علمی نیز نباید غفلت کنند. اگر مسئولان جایزه کتاب سال خواهان جلب اعتماد هرچه بیشتری اهالی کتاب و سوی افزایش نقش آفرینی فهرست منتخب خود در میان جامعه کتابخوان هستند، باید پیش از پیش از همراهی اهالی کتاب در روند فعالیت‌های خود کمک بگیرند. همین حالا که



عبدمنان

مقصود فراس‌تخواه برگزیده چهل و دومین دوره جایزه کتاب سال در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد:

«کنش گران مرزی»، میانجی دولت و ملت

«فقدان» به الگوی «امکان» رسیده‌ام. به این نتیجه رسیده‌ام که با توجه به شرایط، همه‌مان در سرمشق فقدان به سر می‌بریم و به چیزهایی که نداریم، فکری نمی‌کنیم. در صورتی که باید به سمت امکان حرکت کنیم و بدانیم که حتی از دل محدودیت‌ها هم قادر به خلق امکانات و موقعیت‌هایی تازه هستیم.

بایان تقاسمیریا نگاه آینده‌نگرانه به سراغ

پژوهش‌های تاریخی رفته‌اید؟

بله و در این رابطه یکی از صورت‌های عمل اجتماعی در ایران، کنش‌گران مرزی هستند که برای کاهش هزینه‌های تغییرات می‌کوشند. اینها عاملانی اجتماعی هستند که برای کاهش شکاف میان دولت و مردم تلاش می‌کنند. افرادی که در میان طیف‌های مختلف جامعه و دولت تردد می‌کنند و به دنبال ایجاد فضاهایی خلاقیت محور برای گفت‌وگو هستند. این افراد برای تقلیل محنت و رنج‌های مردم به دنبال برنامه‌ریزی بوده و برای ایجاد ظرفیت‌هایی که به وفای اجتماعی و تحقق حقوق فردی و اجتماعی بینجامد، گام برمی‌دارند. آنان به دنبال تحقق همه اهداف فردی، اجتماعی و حتی ملی هستند. جالب آنکه هیچ میانه‌ای هم با رادیکالیسم و رفتارهای تند و افراطی هزینه‌ساز ندارند. کنش‌گران مرزی با کمک به رفع شکاف‌ها خواهان ایجاد فضاهایی میانی برای بهبود رابطه مردم با دولت هستند. به نوعی می‌توان گفت

که برای ایجاد فرصتی برای گفت‌وگو میانجی‌گری می‌کنند. کنش‌گران مرزی در طول تاریخ با چنین نگاه و عملکردی به بهبود شرایط کمک کرده‌اند. با ایجاد یک‌سری فرصت‌ها هم به مردم کمک می‌کنند و هم شرایط فعالیت را برای دولت‌ها بهبود می‌بخشند.

از این گفتید که این کتاب را

برمبنای مطالعات تاریخی

نوشته‌اید، چه برهه‌ای از

تاریخ در پژوهش‌های‌تان مورد

توجه تان بوده است؟

تقریباً با ورود اعراب به ایران آغاز کرده‌ام که با دوران شکوفایی مجدد فرهنگ ایرانی در دوران‌هایی نظیر فردوسی ادامه پیدا کرده است. اما به‌طور خاص به دوره سقوط اصفهان و اواخر صفویه به بعد با تمرکز بیشتری پرداخته‌ام. دوره پیشامشروطه و بعد از آن هم شرح و بسط زیادی در این کتاب یافته است.

پس مخاطبان کتاب «کنش گران مرزی» به گروه خاصی محدود نمی‌شود و طیف‌های مختلفی را شامل می‌شود؛ از سیاستمداران و اهالی اقتصاد گرفته تا پژوهشگران حوزه تاریخ، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان! بله. اتفاقاً در نشست‌هایی که طی یک‌سال اخیر برای این کتاب برگزار شده، طیف‌های



کنش گران مرزی هستند که برای کاهش هزینه‌های تغییرات می‌کوشند. اینها عاملانی اجتماعی هستند که برای کاهش شکاف میان دولت و مردم تلاش می‌کنند

این است که ما از جایی پولی نگرفتیم و اسپانسر می‌نداریم و تمام نیازهای مالی گروه از فروش بلیت‌ها تأمین می‌شود. بنابراین می‌توان فهمید که منابع مالی این نمایش چه میزان است.»

او اظهار می‌کند: «ترور برای من جدای از یک نمایش است، مطالعه جامعه‌شناسانه درباره رفتار تماشاگر و جامعه ما با این دست موضوعات است. در ابتدا به این فکر می‌کردم که اگر بازیگران تغییر کنند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اما در ادامه تلاش کردم تا تغییر بازیگران را به یکی از ویژگی‌های اصلی کار تبدیل کنم و بخصوص برای نقش متهم از این تغییر استقبال کرده و تلاش کردم تا بجز تغییر بازیگران، جنسیت آنها را نیز تغییر دهم. همان‌طور که در تماشاخانه ایرانشهر داستان ما خانم «مینو شریفی» بود اما از یک جایی به بعد «سعاد سهیلی» به عنوان داستان وارد نمایش شد. درباره متهم نیز به این فکر کردم که اگر خلبان جنگنده یک زن باشد، جامعه و تماشاگران ایرانی در جایگاه هیأت منصفه، با او چه رفتاری خواهند داشت و جنسیت چه تأثیری در تیرتبه یا محکومیت خلبان داشته‌است؟ این‌ها پرسش‌هایی است که تلاش کردم در جنبه تئاتر آزمایشگاهی در اجرای این نمایش به آن دست یابم.»

کارگردان ترور، درباره نسبت میان مدیوم و تئاتر و سینما عنوان می‌کند: «تئاتر و سینما مدیوم‌های مورد علاقه من هستند. با اینکه سال‌های زیادی از تئاتر فاصله گرفته و مشغول فیلمنامه‌نویسی و بازی‌گردانی در سینما بودم، اما در یک سال گذشته، در روند بازگشتم به تئاتر، هم نمایش ترور را به صحنه بردم و هم همزمان، اولین فیلم سینمایی خود به اسم «چشم بادامی» را نیز ساختم که در جشنواره فجر شاهد حضور آن بودیم. در این روند به این نتیجه رسیدم که تجارب هر دو مدیوم می‌توانند به کمک یکدیگر بیایند. همان‌طور که در نمایش ترور می‌بینیم جلوه‌ها و مؤلفه‌های سینمایی مانند دوربین، پوشش زنده و... نیز وجود دارند، چرا که دوست داشتم اجرای بازیگران در این کار به فضای سینما نزدیک شده و فضای بزرگ سالن اصلی آنها را وارد کنند که برون‌گرایی داشته باشند. بنابراین از میکروپن و قاب‌های بسته استفاده کردم تا بازیگران با همان مینی‌مالیستی که در آثار سینمایی بازی می‌کنند، آن را نیز بازی کنند. بنابراین رفت‌وآمد در دو مدیوم برای من این دستاورد را داشته است که از تجارب آنها در هر دو فضا بهره ببرم.»

در هر اجرای «ترور» نیز ما هر شب از تصمیم هیأت منصفه غافلگیر می‌شویم و نمی‌دانیم که نمایش ما چگونه به پایان خواهد رسید. این هم نقطه اشتراک دیگر این نمایش با اثر سینمایی «سیدنی لومت» است.»

او در تشریح تعویض بازیگران در روند این نمایش، ادامه می‌دهد: «از آنجایی که ترور در سه دوره به اجرا رفته است، در دوره اول نقش متهم را «مهدی پاکدل» بازی می‌کرد و در دوره‌ای که نور داخلی داشتیم و این نمایش در شهرهای مختلف اجرا شد، نقش متهم را «فریدون مهرابی» بازی کرد. در حال حاضر نیز «لیندا کیانی» بازیگر سوم نقش خلبان در اجرای این نمایش در تئاتر شهر است.»



تا چند روز دیگر نمایشنامه می‌شوید

سام کبودوند، بازیگر نمایش «ترور» نیز در گفت‌وگو با «ایران»، درباره این نمایش می‌گوید: «همان‌طور که دیدید من نقش وکیل را در دادگاهی آلمانی اجرا می‌کنم که در حال دفاع از موکل خود یا همان زن خلبان است که هرچند در ظاهر کاری غیرقانونی انجام داده و مرتکب جنایت شده است، اما معتقد است که برای نجات جان انسان‌ها قانون شکنی کرده است.» او ادامه می‌دهد: «ترور، ماجرای اتفاقاتی است که عواطف انسانی بسیاری در آن دخیل هستند، مسأله‌ای که زمان و مکان ندارد و فراتر از مرزهاست، به اندازه بیست جلسه تمرین، من را پروراند.» کبودوند درباره حضورش در این نمایش، عنوان می‌کند: «من در دور دوم زیادی برای تمرین نداشتم، اما از آنجایی که نقش من در این اثر بسیار منوولوک بود و اجرای نقش وکیل به تنهایی اتفاق می‌افتد و متکی به خود و ارتباط با تماشاگر بود، کار برام به آسانی پیش رفت. با اینکه خوشبختانه اجرای اولی که در مشهد داشتم، به اندازه بیست جلسه تمرین، من را با نمایشنامه آشنا کرده و اجازه داد تا با اجرای سایر دوستان در این نمایش هم‌سطح شوم.»

او درباره تغییر بازیگران در روند نمایش می‌افزاید: «کارگردان نمایش در کنار بازیگران آن را به‌گونه‌ای پیش برد تا ببینیم که زن یا مرد بودن کاراکتر خلبان و شخص بازیگر، به عنوان هنرمند، نه ایفاکننده نقش خلبان در نمایش، در رای و تصمیم مخاطبان به عنوان هیأت‌منصفه، تأثیر دارد یا خیر؟» گفته این بازیگر، اینکه تماشاگر بعد از دیدن ترور تا چند روز دیگر ماجرای آن می‌ماند و لایه‌های احساسی و منطقی آنها درگیر می‌شود، شاید یکی از اهداف اصلی این نمایش باشد.»

نمایش ترور این فرصت را به مخاطب می‌دهد تا درباره حادثه‌ای که در واقعیت اجازه پیدا نکردند درباره آن با دولتمردان صحبت کنند و شاید رأی‌شان به رسمیت شناخته نشد، در مشارکت با نمایش آن را تجربه کرده و درباره آن قضاوت و اظهار نظر کنند

دید و شنیده‌شدن را تجربه کرده و در اتفاقی که افتاده است سهیم شوند و نظرشان در روند و نتیجه نهایی این نمایش جاری شده و سرنوشت آدم‌های دیگر را تعیین کنند. براساس بازخوردهایی که از مردم گرفته‌ام باید بگویم تجربه احترام و تشخیصی که از طریق مشارکت به مخاطبان در این نمایش در جایگاه هیأت‌منصفه داده شد، اتفاق خوبی بود؛ اتفاقی است که خوب است در بخش‌های دیگر جامعه نیز تجربه شود.»

امینی درباره شباهت این نمایشنامه به فیلم «دوازده مرد خشمگین» اثر معروف سیدنی لومت، عنوان می‌کند: «شباهت‌دادن در جنبه‌های فلسفی و حقوقی آن مورد توجه قرار گرفته است. چرا که خود پرسش‌های اخلاقی که در این نمایش مطرح می‌شود، پرسش‌های بسیار بنیادینی است. اما از اینکه یادآور ماجرای «هواپیمای اوکراین» باشد نیز گریزی نداشتم، چرا که فکر می‌کنم خوب است بتوانیم درباره تمام حوادثی که در جامعه ما اتفاق می‌افتد صحبت و قضاوت کنیم. بنابراین نمایش ترور این فرصت را به مخاطب می‌دهد تا درباره حادثه‌ای که در واقعیت اجازه پیدا نکردند درباره آن با دولتمردان صحبت کنند و شاید رأی‌شان به رسمیت شناخته نشد، در مشارکت با نمایش آن را تجربه کرده و درباره آن قضاوت و اظهار نظر کنند و احساسی توأم با احترام و

تئاتر

نمایشنامه «ترور»، اثر «فردیناند فون شیراخ»، نویسنده معاصر آلمانی به کارگردانی ابراهیم امینی، برای بار دیگر در تالار اصلی تئاتر شهر به نمایش درآمده است. این نمایش داستان یک خلبان جت جنگی آلمانی را روایت می‌کند که به خاطر نجات ۷۰ هزار نفر در استنادیوم فوتبال، به هواپیمای مسافربری شلک می‌کند تا تروریست داخل هواپیمای خواسته‌اش که قتل عام هزاران نفر از تماشاچیان مسابقه است، نرسد. حالا او در جایگاه قضاوت قرار گرفته و با حکم مخاطب نمایش تیرتبه یا محکوم می‌شود. شرح چگونگی ساخت و اجرای این نمایش را در گفت‌وگوی «ایران» با «ابراهیم امینی»، کارگردان آن در ادامه می‌خوانید.



نمایشنامه «ترور»، اثر «فردیناند فون شیراخ»، نویسنده معاصر آلمانی به کارگردانی ابراهیم امینی، برای بار دیگر در تالار اصلی تئاتر شهر به نمایش درآمده است. این نمایش داستان یک خلبان جت جنگی آلمانی را روایت می‌کند که به خاطر نجات ۷۰ هزار نفر در استنادیوم فوتبال، به هواپیمای مسافربری شلک می‌کند تا تروریست داخل هواپیمای خواسته‌اش که قتل عام هزاران نفر از تماشاچیان مسابقه است، نرسد. حالا او در جایگاه قضاوت قرار گرفته و با حکم مخاطب نمایش تیرتبه یا محکوم می‌شود. شرح چگونگی ساخت و اجرای این نمایش را در گفت‌وگوی «ایران» با «ابراهیم امینی»، کارگردان آن در ادامه می‌خوانید.

اقتباسی از آن را در آثار تصویری به کار ببرم. تا اینکه حدود یک سال قبل بود که تصمیم گرفتم نسخه تئاتری آن را کار کنم. بنابراین در تماشاخانه ایرانشهر نوبتی گرفتیم و در شهرپور و مهر ماه اولین اجرای «ترور» را در این تماشاخانه به نمایش گذاشتیم که خوشبختانه بازخورد بسیار خوبی از سوی مخاطبان داشت که باعث ادامه‌دار شدن آن گردید.»

کارگردان ترور، اظهار می‌کند: «این نمایش در کشورهای مختلف جهان اجرا شده و جنبه‌های فلسفی و حقوقی آن مورد توجه قرار گرفته است. چرا که خود پرسش‌های اخلاقی که در این نمایش مطرح می‌شود، پرسش‌های بسیار بنیادینی است. اما از اینکه یادآور ماجرای «هواپیمای اوکراین» باشد نیز گریزی نداشتم، چرا که فکر می‌کنم خوب است بتوانیم درباره تمام حوادثی که در جامعه ما اتفاق می‌افتد صحبت و قضاوت کنیم. بنابراین نمایش ترور این فرصت را به مخاطب می‌دهد تا درباره حادثه‌ای که در واقعیت اجازه پیدا نکردند درباره آن با دولتمردان صحبت کنند و شاید رأی‌شان به رسمیت شناخته نشد، در مشارکت با نمایش آن را تجربه کرده و درباره آن قضاوت و اظهار نظر کنند و احساسی توأم با احترام و

ابراهیم امینی»
کارگردان نمایش «ترور»
در گفت‌وگو با «ایران»

اینجا حکم، حکم تماشاگران است

نمایشنامه «ترور»، اثر «فردیناند فون شیراخ»، نویسنده معاصر آلمانی به کارگردانی ابراهیم امینی، برای بار دیگر در تالار اصلی تئاتر شهر به نمایش درآمده است. این نمایش داستان یک خلبان جت جنگی آلمانی را روایت می‌کند که به خاطر نجات ۷۰ هزار نفر در استنادیوم فوتبال، به هواپیمای مسافربری شلک می‌کند تا تروریست داخل هواپیمای خواسته‌اش که قتل عام هزاران نفر از تماشاچیان مسابقه است، نرسد. حالا او در جایگاه قضاوت قرار گرفته و با حکم مخاطب نمایش تیرتبه یا محکوم می‌شود. شرح چگونگی ساخت و اجرای این نمایش را در گفت‌وگوی «ایران» با «ابراهیم امینی»، کارگردان آن در ادامه می‌خوانید.

گزارش

معصومه غفاری

روزنامه‌نگار